



## The relationship between attachment styles of parents and child: The mediating role of emotional states

### Abstract

### Article Info

**Introduction:** The purpose of the correlation current study was to investigate the relationship attachment styles between parents and children by the mediating role of Emotional Reactions (depression, anxiety, and stress) in individuals in Tehran and Alborz provinces.

**Methods:** In the present study 288 individuals (167 mothers and 121 fathers) with mean age of 49.68, and their children (153 girls and 135 boys) with mean age of 23.94 were chosen by convenient sampling. Participants filled in Collins & Read Revise Adult Attachment Scale and Depression Anxiety Stress Scale (DASS-21) performed for parents.

**Results:** In order to evaluate the relationship between variables, Pearson correlation coefficient was used and linear regression analysis used for mediated of analysis. Results show that there is a direct connection between the attachment styles of parents and children ( $p<0.01$ ) and anxiety was mediating between secure attachment styles of parents and children.

**Conclusion:** Anxiety is effective in correlation between secure attachment style of parents and children.

**Keywords:** Attachment, Parents, Children, Emotional states

### Authors:

Saeed Lotfi<sup>1</sup>

Adis Kraskian Mujembari<sup>\*2</sup>

### Affiliations

1 . PHD Student of Health Psychology, Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Place of Research: Tehran , Postal address: Tehran, Shariati St., Dastgerdi St. (Zafar), after Goi Abadi Alley, No. 79, Unit 28, Postal Code: 1911817639, Phone: 09123351629, Email: saeed.lotfi20@yahoo.com.

2 .Assistant Professor, Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Phone: 09126087538 Email: adis.kraskian@kiau.ac.ir. (Corresponding author)



## رابطه بین سبک‌های دلپستگی والدین و سبک‌های دلپستگی فرزندان: نقش واسطه‌ای واکنش‌های هیجانی

### اطلاعات مقاله

### چکیده

سعید لطفی<sup>۱</sup>  
آدیس کراسکیان موجمباری<sup>۲\*</sup>

**مقدمه:** هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین سبک‌های دلپستگی والدین و فرزندان با نقش واسطه‌ای واکنش‌های هیجانی (افسردگی، اضطراب، استرس) در آزمودنی‌های استان‌های تهران و البرز بود.

**روش کار:** برای بررسی اهداف پژوهش تعداد ۲۸۸ والد (۱۶۷ مادر، ۱۲۱ پدر) با میانگین سنی ۴۹/۶۸، و فرزندان آن‌ها (۱۵۳ دختر، ۱۳۵ پسر) با میانگین سنی ۲۳/۹۴ به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و پرسشنامه سبک دلپستگی کولینز و رید برای تمام آزمودنی‌ها و مقیاس DASS-۲۱ برای والدین اجرا شد.

**یافته‌ها:** برای تحلیل رابطه بین متغیرها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و برای بررسی نقش واسطه‌ای از تحلیل مسیر، شامل تحلیل رگرسیون خطی و گام‌به گام، استفاده شد. نتایج نشان داد بین سبک دلپستگی والدین و فرزندان رابطه مستقیم وجود دارد ( $p < 0.01$ ) و در رابطه بین سبک‌های دلپستگی ایمن والدین و فرزندان اضطراب والدین نقش واسطه‌ای دارد.

**نتیجه‌گیری:** اضطراب در سطح رابطه بین سبک دلپستگی ایمن والدین و فرزندان اثرگذار است.

**کلیدواژگان:** سبک‌های دلپستگی، والدین، فرزندان، واکنش‌های هیجانی

### وابستگی سازمانی نویسنده‌گان

۱. دانشجوی دکترای روان‌شناسی سلامت، گروه روان‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. محل انجام پژوهش: تهران، آدرس پستی: تهران خیابان شریعتی خیابان دستگردی (ظفر) پس از کوچه گوی آبادی، پلاک ۷۹، واحد ۲۸، کد پستی: ۱۹۱۱۸۱۷۶۳۹، تلفن: ۰۹۱۲۳۳۵۱۶۲۹، ایمیل: saeed.lotfi20@yahoo.com
- ۲\*. استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. تلفن: ۰۹۱۲۶۰۸۷۵۳۸، ادرس ایمیل: adis.kraskian@kiau.ac.ir (نویسنده‌ی مسئول)

خواهند بود. اکثر پژوهش‌ها به بررسی دلستگی والدین و سبک فرزندپروری آن‌ها پرداخته‌اند. اما موضوعی که به آن کمتر اشاره شده، نقش میانجی‌هایی است که در این رابطه حضور دارند و از این میان می‌توان به انواع واکنش‌های هیجانی (افسردگی، اضطراب، استرس) که در پژوهش حاضر به آن پرداخته شده است اشاره کرد و ارتباط بین سبک‌های دلستگی با این مولفه‌ها را سنجید. در واقع این موضوعی است که می‌تواند چرخه انتقال بین نسلی سبک‌های دلستگی را کامل کند.

افسردگی یکی از واکنش‌های هیجانی است که موجب افت کاری و آموختشی، کاهش انگیزه برای انجام طرح‌های تازه و پیدایش مشکلات شغلی و خانوادگی می‌شود<sup>(۱۵)</sup>. در واقع نوع سبک دلستگی در دوره کودکی یکی از متغیرهایی است که می‌تواند پیش‌بینی کننده میزان افسردگی در دوره بزرگسالی باشد<sup>(۱۶)</sup>. بیفولکو، موران، بال و لی<sup>(۱۷)</sup> نشان دادند که وجود هر نوع دلستگی نایمین با افسردگی یک‌ساله ارتباط دارد. اضطراب متغیر دیگری است که به بررسی ارتباط آن با سبک دلستگی پرداخته می‌شود. اضطراب، با نگرانی افرادی و معمولاً غیر منطقی در مورد رویدادهایی که در گذشته غیرتهدیدآمیز بوده‌اند و همچنین رویدادهای احتمالی، که به دلیل تداخل در کارکرد اجتماعی و اقتصادی بهنجار اخلال‌گرانه محسوب می‌شوند، مشخص می‌شود. شیوع طول اضطراب در جمعیت عمومی حدود ۱۰ درصد است<sup>(۱۸)</sup>.

در خصوص اضطراب نیز پژوهش‌هایی رابطه بین اضطراب سبک‌های دلستگی را بررسی کرده و به این نتیجه دست یافته‌ند که افرادی که دارای دلستگی ایمن بوده اضطراب کمتری را نسبت به گروه نایمین نشان می‌دهند و نیز سبک‌های دلستگی اجتنابی و دوسوگرا به طور معناداری با علائم اضطراب همسنگی دارند<sup>(۱۹)</sup>.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که آسیب‌های دلستگی نقش تعیین‌کننده در شکل‌گیری اختلال‌های اضطرابی و افسردگی دارد<sup>(۲۰-۲۱)</sup>. شدت دلستگی نایمین موجب آسیب‌پذیری افراد در برابر اختلال‌های اضطرابی و افسردگی می‌شود<sup>[۲۷-۲۵]</sup>. افراد با سبک دلستگی نایمین، در مقایسه با افراد ایمن، سطوح پائین‌تری از عواطف مثبت را تجربه کرده و در مدیریت استرس، اضطراب، افسردگی و سایر عواطف منفی، ناتوانی نشان می‌دهند<sup>[۲۸-۲۹]</sup>.

نیومن، شین و زولینگ<sup>(۳۰)</sup> در تحقیق خود نشان داده‌اند که سطوح بالای دلستگی نایمین اجتنابی، با افزایش اختلال اضطراب تعمیم‌یافته و اختلال وحشت زدگی همراه است. همچنین رابطه‌ی مثبت بین سبک‌های دلستگی نایمین و

## مقدمه

الگوی دلستگی که اولین بار توسط بالبی<sup>(۱)</sup> در زمینه رشد کودکان به کار رفت و توسط اینسورث<sup>(۲)</sup> قابل بهره برداری شد، توسط هازن و شیور<sup>(۳)</sup> در سال ۱۹۸۷ در سه گروه دلستگی ایمن، دوسوگرا و اجتنابی و برای روابط دلستگی بزرگسالان دنبال شد<sup>(۴)</sup>. در اصطلاح نظریه کلاسیک دلستگی، بزرگسالان دارای دلستگی ایمن آن دسته از افرادی هستند که نسبت به خود و دیگران نگرشی مشبت داشته، در ارتباطشان معهود هستند و در روابط صمیمانه احساس راحتی می‌کنند<sup>(۵)</sup>. همچنین در روابط وابسته شدن به دیگران به خود مشکلات اندکی دارند. این افراد از ویژگی احساس راحتی با نزدیکی و صمیمیت در روابط بین فردی برخوردارند<sup>(۶)</sup>. بزرگسالان دارای سبک دلستگی دوسوگرا عمدتاً با عدم تعادل در احساسات و تعارضات مشخص می‌شوند<sup>(۷)</sup>. این افراد دچار تعارض میان نیاز قوی خود برای ایجاد روابط نزدیک و صمیمانه از یک سو و احساس ناامنی از پاسخ‌گویی دیگران به نیازهای خود و احتمال طرد شدن از سوی دیگران هستند<sup>(۶)</sup>. همچنین آن‌ها کمتر به داشتن دیدگاه مشبti در مورد خودشان گرایش دارند. این سبک با شور و هیجان و دل‌مشغولی در مورد روابط همراه با خرسنده کم مرتبط است<sup>(۸)</sup>. بزرگسالان دارای سبک اجتنابی دارای ویژگی هراس از نزدیکی و صمیمیت هستند<sup>(۶)</sup> و به هیچ وجه خواهان نزدیکی هیجانی نبوده و خود مختاری را ترجیح می‌دهند<sup>(۹)</sup>. آن‌ها خودشان را به صورت خودبسته می‌بینند. افراد دارای این سبک آسیب‌پذیری را انکار می‌کنند و ادعا می‌کنند که نیازی به روابط نزدیک نداشته و تمایل به اجتناب از صمیمیت دارند<sup>(۱۰)</sup>. بالبی<sup>(۱۱)</sup> این فرضیه روان تحلیل‌گران که رابطه‌ی والدین فرزند، الگویی برای روابط صمیمانه فرد در آینده محسوب می‌شود را مورد تأکید قرار می‌دهد. همچنین ون ایجزندورون<sup>(۱۱)</sup> اظهار نموده در ۸۰ درصد موارد با شناخت سبک دلستگی والدین، می‌توان سبک دلستگی فرزندان آن‌ها را نیز پیش‌بینی نمود.

مطالعات زیادی به بررسی رابطه دلستگی والدین با دلستگی فرزندان پرداخته‌اند<sup>(۱۲)</sup> و نتایج نشان داده‌اند که همبستگی والدین و کودکانشان با هم در ارتباط هستند. برای مثال والدین نایمین، کودکان نایمینی هم داشته‌اند<sup>(۱۳)</sup>. با توجه به این نتایج می‌توان انتقال سبک‌های دلستگی در بین نسل‌ها را مشاهده کرد. در حوزه نظریات انتقال بین نسلی دلستگی که به انتقال سبک‌های دلستگی از یک نسل به نسل بعدی اشاره دارند بالبی<sup>(۱۴)</sup> به نقش اثرات اجتماعی به اندازه اثرات ژنتیکی و حتی بیشتر از آنها تأکید می‌کند. والدین نایمین، کودکان نایمینی پرورش می‌دهند که آن‌ها نیز در آینده، والدینی نایمین

تجربه‌ی ارتباطات آینده او را هدایت می‌کند. این بازنمایی نهادینه شده قابلیت این را دارد که به وسیله تجربیات جدید با افراد دیگر تعديل یا اصلاح شود ولی با وجود این مقاومتشان در مقابل این تغییرات زیاد است. این نمودها روی روابط فرد در طول زندگی اش تاثیر می‌گذارد و حتی به نسل بعد منتقل می‌شود (۳۸). پژوهش پیش‌رو به این سوال می‌پردازد که نقش واسطه‌ای واکنش‌های هیجانی (افسردگی، اضطراب، استرس) بر روی الگوی دلستگی چیست؟

### روش کار

این پژوهش همبستگی، با هدف بررسی رابطه بین سبک‌های دلستگی والدین و فرزندان با نقش واسطه‌ای واکنش‌های هیجانی (افسردگی، اضطراب، استرس) در آزمودنی‌ها استان تهران و البرز بود. برای بررسی اهداف پژوهش تعداد ۲۸۸ والد (۱۶۷ مادر، ۱۲۱ پدر) با میانگین سنی ۴۹/۶۸ و فرزندان آن‌ها (۱۵۳ دختر، ۱۳۵ پسر) با میانگین سنی ۲۳/۹۴ به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

### ابزار پژوهش

برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های زیر استفاده شده است:

۱. پرسشنامه بازنگری شده مقیاس دلستگی بزرگسال: مقیاس تجدید نظر شده دلستگی بزرگسال توسط کولینز و رید در سال ۱۹۹۰ تهیه و تنظیم گردید و مهارت‌های ایجاد روابط و شیوه‌شکل‌دهی روابط دلستگی نسبت به چهره‌های دلستگی را در قالب سه سبک دلستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی، بر اساس ویژگی‌های صفتی، و نه بر اساس ویژگی‌های وابسته به حالت ارزیابی می‌کند (۴۲ و ۴۳). این پرسشنامه شامل خود-ارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خود-تصویفی شیوه‌شکل‌دهی به دلستگی‌های نزدیک است و مشتمل بر ۱۸ ماده است که توسط عالمت‌گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از نوع لیکرت برای هر ماده (که از ۱= کاملاً موافقم، می‌باشد) سنجیده می‌شود. تحلیل عوامل ۳ خرد-مقیاس ۶ ماده‌ای را مشخص می‌سازد. کولینز و رید بر پایه توصیف‌هایی که در پرسشنامه دلستگی بزرگسال هازن و شیور در مورد سه سبک اصلی دلستگی وجود داشت، مواد پرسشنامه خود را تدارک دیده‌اند. زیر مقیاس (A) با دلستگی نایمن دوسوگرا (AM) مطابقت دارد و زیر مقیاس نزدیک بودن (C) یک بعد دو قطبی است که اساساً توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد (۴۴)، کولینز، برای بررسی قابلیت اعتماد پرسشنامه، میزان آلفای کرونباخ هر زیر مقیاس آن، در دو

نشانه‌های افسردگی در پژوهش‌ها تائید شده است (۳۱). تعاملات خانوادگی نابهنجار و سبک دلستگی اجتنابی پیش‌بین‌های خوبی برای افسردگی در این دوران هستند (۳۲).

استرس نیز متغیر دیگری است که با سبک دلستگی رابطه تنگاتنگی دارد. در واقع استرس، پاسخ غیر اختصاصی بدن به هرگونه فشاری است که به آن وارد می‌شود (۳۳). این پاسخ در مقابل هر محرک درونی، شناختی یا محرك‌های بیرونی و محیطی با عوامل استرس‌زا بروز داده می‌شود. اگر استرس، ناشی از انتظاراتی باشد که شخص از نظر فیزیکی یا روانی نتواند آن‌ها را برآورده سازد، سلامت جسمی و روانی او به خطر می‌افتد (۳۴). نتایج مطالعات کید و همکاران (۳۵) نشان دهنده این است که بین نوع سبک دلستگی در دوران کودکی و میزان استرس در بزرگسالی رابطه معنی داری وجود دارد. آزمایشاتی که تبلور (۳۶) با دستکاری غده هیپوفیز بر روی آزمون گران انجام داد، نشان داد افرادی که در بزرگسالی بیشترین تجربه استرس را دارند در دوره کودکی دلستگی ایمن کمتری را تجربه کرده‌اند. نتایج پژوهش‌های کاترین و همکاران (۳۷) بر روی افرادی که میزان بالایی از استرس و افسردگی را داشتند (۶۸ نفر) نشان دهنده این است که ارتباط متقابلی بین افسردگی و استرس با نوع سبک دلستگی این افراد وجود دارد. همانگونه که بالبی باور دارد نظام دلستگی در شرایط استرس، نگرانی، اضطراب و تنفس روانی را به قوی‌ترین شکل خود فعال می‌کند (مانند موقعی که فرد بیمار، خسته یا ترسیده است). از این رو میتوان گفت که افراد دلسته ایمن با نزدیک شدن به دیگران در مقایسه با افراد دلسته نایمن این ناملایمات را کمتر احساس می‌کنند و در نتیجه استرس تجربه شده آنان نسبت به افراد با سبک دلستگی نایمن کمتر است. به نظر می‌رسد که علت این موضوع، همان روابط سالم افراد دارای سبک دلستگی ایمن با دیگران است که منجر به افزایش بهزیستی روانی آن‌ها می‌گردد (۳۸).

شواهد زیادی مبنی بر ارتباط بین یادآوری تجربه دوران کودکی مادر با کیفیت رابطه با فرزندش وجود دارد. این شواهد روز به روز در حال گسترش هستند (۴۱). نظریه تطبیق بین نسلی در الگوهای ارتباطی، تاریخچه بر جسته‌ای در منابع روانکاوی دارد (۴۲). این نظریه همچنین در تحقیقات اپیدمیولوژی بسیار مورد توجه قرار گرفته است (۴۰). روانشناسان رشد در تحقیقات خود در مورد تفاوت بین فردی، متوجه تأثیر تجربه کودکی مادر و ساختار ارتباط مادر-نوزادی شدند (۴۱). نظریه دلستگی جان بالبی توضیح قابل درکی برای انتقال اجتماعی الگوی ارتباطی در طول نسل‌ها را ارائه می‌دهد. رابطه دو سویه کودک و فرد مراقب او خیلی زود در فرد نهادینه می‌شود و انتظارات وی و

و اعتبار آن در پژوهش‌های متعدد تایید شده است. همبستگی‌ها بین زیرمقیاس افسردگی DASS با آزمون افسردگی بک  $.0/.70$ ، زیرمقیاس اضطراب با آزمون اضطراب زانگ  $.67/.0$  و زیرمقیاس استرس (تندیگی) DASS با آزمون تندیگی ادراک شده  $.49/.0$  بود ( $.46/.48$ ).

#### یافته‌ها

برای تحلیل رابطه بین متغیرها از آزمون ضریب همبستگی پرسون و برای بررسی نقش واسطه‌ای از تحلیل مسیر، شامل تحلیل رگرسیون خطی و گام‌به‌گام، استفاده شد. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش و نتایج آزمون آماری ضریب همبستگی در جدول شماره ۱ گزارش شده است.

در ادامه برای بررسی پیش‌بینی سبک دلبستگی فرزندان بر اساس سبک دلبستگی والدین با واسطه‌گری واکنش‌های هیجانی تحلیل مسیر شامل سه تحلیل رگرسیون انجام شده است:

نمونه ۱۷۳ و ۱۰۰ نفری از دانشجویان به ترتیب برای زیرمقیاس C  $.81/.0$ ، زیرمقیاس D  $.82/.0$ ، زیرمقیاس A  $.85/.0$ ، گزارش کرده است. از سوی دیگر در ایران، در پژوهشی که غباری و حدادی در سال ۱۳۸۹ (۴۵) بر روی ۴۶۸ نفر از دانشجویان علوم پرشکی ایران انجام دادند، همسانی درونی (آلای کرونباخ) مقیاس سبک دلبستگی بزرگسالان (۴۳) به قرار زیر بوده است: اضطراب (A)  $.79/.0$ ، مقیاس وابستگی (D)  $.55/.0$  و نزدیک بودن (C)  $.48/.0$ .

۲. مقیاس افسردگی اضطراب استرس-مقیاس افسردگی اضطراب استرس (DASS-۲۱): یک آزمون ۲۱ سوالی است که توسط لوی باند و لوی باند در ۱۹۹۵ ساخته شد و علاوه بر افسردگی، اضطراب و استرس را در مقیاس چهار درجه‌ای از نمره ۰ تا ۳ می‌سنجد. نمره فرد در هر مقیاس بر حسب هفت گویه مختص آن مقیاس سنجیده می‌شود. این مقیاس یکی از ابزارهای معتبر برای سنجش نشانه‌های عواطف منفی محسوب می‌شود و پایایی

جدول شماره ۱ - ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش و نتیجه آزمون آماری ضرایب همبستگی (n=۲۸۸).

۱. ایمن	۲. اجتنابی	۳. دوسوگرا/ اضطرابی	۴. افسردگی	۵. اضطراب	۶. استرس	۷. ایمن	۸. اجتنابی	۹. دوسوگرا/ اضطرابی
$.1/000$	$.0/168$ **	$-.0/067$	$-.0/076$	$-.0/157$ **	$-.0/099$	$-.0/243$ **	$-.0/050$	$-.0/067$
$1/000$	$-.0/122$ *	$-.0/122$ *	$-.0/170$ **	$-.0/227$ **	$-.0/227$ **	$-.0/178$ **	$-.0/101$ **	$-.0/139$ *
$1/000$	$-.0/236$ **	$-.0/675$ **	$-.0/205$ **	$-.0/632$ **	$-.0/227$ **	$-.0/033$ **	$-.0/166$ **	$-.0/032$ **
$1/000$	$-.0/080$	$-.0/125$ *	$-.0/080$	$-.0/027$	$-.0/027$	$-.0/042$	$-.0/062$	$-.0/042$

\*  $P<0.05$ , \*\*  $P<0.01$

تحلیل رگرسیون نخست. در صورتی که هر چهار شرط فوق برقرار باشد به معنای پیش‌بینی سبک دلبستگی فرزندان بر اساس سبک دلبستگی والدین است. رگرسیون با واسطه‌گری واکنش‌های هیجانی است. پس از انجام تحلیل‌های فوق به تفکیک سبک‌های دلبستگی واکنش‌های هیجانی مشخص شد که صرفاً متغیر اضطراب در پیش‌بینی سبک دلبستگی ایمن فرزندان براساس سبک دلبستگی ایمن والدین نقش واسطه‌ای دارد که نتایج تحلیل‌های انجام شده در جدول شماره ۲ گزارش شده است.

### بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش، بررسی دو به دو متغیرها نشان داد که؛ الف- بین سبک‌های دلبستگی والدین و سبک‌های دلبستگی فرزندان رابطه وجود دارد. ب- بین سبک دلبستگی ایمن (والدین و فرزندان) و اضطراب والدین رابطه وجود دارد. بر اساس این نتایج، می‌توانیم نقش واسطه‌ای اضطراب را در

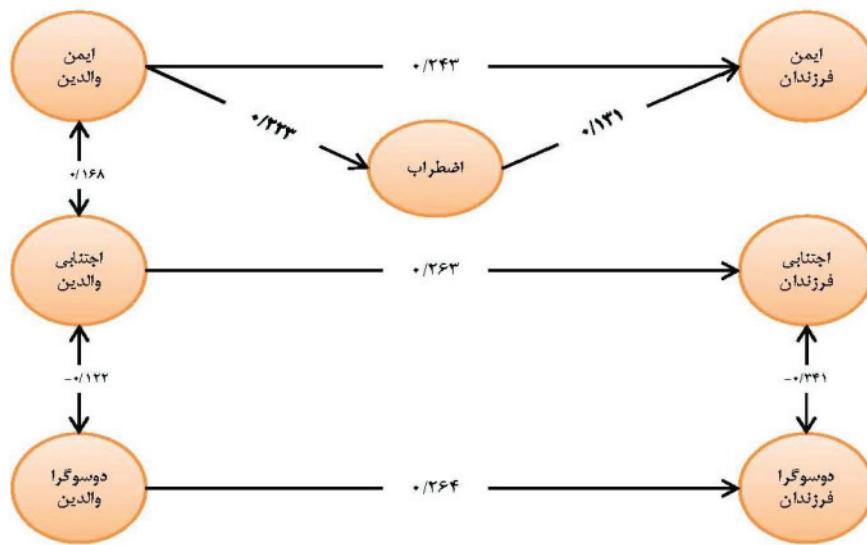
۱. رگرسیون خطی: پیش‌بینی سبک دلبستگی فرزندان بر اساس سبک دلبستگی والدین.
۲. رگرسیون خطی: پیش‌بینی واکنش‌های هیجانی بر اساس سبک دلبستگی والدین.
۳. رگرسیون گام به گام: پیش‌بینی سبک دلبستگی فرزندان بر اساس سبک دلبستگی والدین و واکنش‌های هیجانی. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون های سه گانه، چهار شرط مورد بررسی قرار گرفته است:
۱. معناداری رگرسیون نخست؛ که به معنای پیش‌بینی سبک دلبستگی فرزندان بر اساس سبک دلبستگی والدین است.
۲. معناداری رگرسیون دوم؛ که به معنای پیش‌بینی واکنش های هیجانی بر اساس سبک دلبستگی والدین است.
۳. معناداری رگرسیون سوم؛ که به معنای پیش‌بینی سبک دلبستگی فرزندان بر اساس هر دو متغیر سبک دلبستگی والدین و واکنش‌های هیجانی است.
۴. کوچکتر بودن ضریب خط رگرسیون در تحلیل رگرسیون سوم؛ برای متغیر سبک دلبستگی والدین؛ از ضریب خط رگرسیون در

جدول شماره ۲- تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی سبک دلبستگی ایمن والدین با واسطه‌گری اضطراب

t	Beta	خطای استاندارد	ضریب b		متغیر	
۱۷/۸۵۳ **	-----	۰/۵۶۰	۹/۹۹۹	مقدار ثابت	پیش‌بین: سبک ایمن والدین	۱
۴/۲۴۳ **	+/۲۴۳	۰/۰۴۵	۰/۱۹۲	سبک ایمن والدین		
۱/۸۱۷	-----	۱/۰۵۲	۱/۹۱۱	مقدار ثابت	پیش‌بین: سبک ایمن والدین	۲
۲/۶۸۳ **	+/۱۵۷	۰/۸۵	۰/۲۲۸	سبک ایمن والدین		
۱۷/۶۳۷ **	-----	۰/۵۵۹	۹/۸۶۳	مقدار ثابت	پیش‌بین: سبک ایمن والدین، و اضطراب	۳
۳/۸۶۵ **	+/۲۲۳	۰/۰۴۵	۰/۱۷۶	سبک ایمن والدین		
۲/۲۷۲ *	+/۱۳۱	۰/۰۳۱	۰/۰۷۱	اضطراب	مالک: سبک ایمن فرزندان	

\*  $p < 0.05$ , \*\*  $p < 0.01$

نمودار ضرایب استاندارد برآورده شده بر اساس تحلیل مسیر انجام شده در شکل شماره ۱ ترسیم شده است.



شکل شماره ۱- نمودار مسیر ضرایب استاندارد شده اثرات مستقیم و غیر مستقیم سبک دلبستگی والدین بر سبک دلبستگی فرزندان با واسطه‌گری واکنش‌های هیجانی.

خود<sup>۳</sup> و دیگری<sup>۴</sup> در ارتباطات محسوب می‌شوند که در ابتدا ناهاشیار و سپس به آینده منتقل شده و در روابط بعدی فرد با دیگران تاثیر می‌گذاردند (۵۵) حساسیت یک ساختار عمومی است که طیف بزرگی از رفتار والدین را در بر می‌گیرد (۵۶) و ممکن است همه آن رفتارها، به اندازه‌ی هم در به وجود آوردن منبعی برای دلبستگی، قدرتمند نباشند. اگر دلبستگی امن اینگونه تصور شود که دستیابی به روند عمل عقلانی هدفمند برای تنظیم حالت ناخوشایند و انگیختگی در رابطه است (۵۷)، استدلال شده است که آن می‌تواند با دوام بیشتر به دست آید و با انسجام نمایان شود، وقتیکه حالت عاطفی شدید کودک متناسب ولی نه اغراق شده به کودک بازتاب یابد. کودکی که به دنبال راهی برای مدیریت کردن اضطراب‌هاییش می‌گردد، در پاسخ مراقبت‌کننده‌اش بازنمایی از حالت روحی خودش را شناسایی می‌کند که ممکن است آن را نهادینه کرده و از آن به عنوان یک استراتژی با سطح بالاتری در تنظیم عاطفی استفاده کند. مراقب با یک بازتاب ترکیبی با نمایش ناسازگار با عاطفه کودک او را آرام می‌کند (بنابراین شاید مقابله کردن را انتقال دهد) (۵۸). این نوع تعریف از حساسیت با روانکاو بریتانیایی، بیرون (۵۹) بسیار مشترک است. او به نقش قابلیت ذهنی مادر برای دربرگیری وضعیت عاطفه کودک که برایش غیرقابل تحمل است توجه می‌کند؛ مادر با مراقبت‌های فیزیکی به نوزاد پاسخ می‌دهد، درحالیکه می‌داند

پیش‌بینی سبک دلبستگی ایمن فرزندان از روی سبک دلبستگی ایمن والدین بررسی کنیم. تحلیل این نتایج در جدول شماره ۲ و شکل شماره ۱ نشان می‌دهد که «اضطراب والدین» در این «رابطه و پیش‌بینی» نقش واسطه‌ای دارد.

نظریه دلبستگی، فرآیندهایی را که طی آن پیوند بین نوزاد و مراقب شکل می‌گیرد، توصیف می‌کند. سبک‌های دلبستگی به مدل‌های درون کاری برآمده از پیوندهای عمیق عاطفی کودک-مادر گفته می‌شود که شکل پاسخ‌های رفتاری افراد به جایی نگاره‌های دلبستگی و پیوند مجدد با این نگاره‌ها را تعیین می‌کنند (۴۹-۵۲). افراد در طول رشد مجموعه‌ای از شواهد ذهنی برای موقیت خود به واسطه‌ی مجاورت کافی با نگاره‌های دلبستگی را به عنوان مدل‌های درون کاری ثبت و ضبط می‌کنند (۵۳).

به دنبال پژوهش‌های بالبی، اینسورث و همکاران (۲۰) انتظارات کودک درباره حساسیت<sup>۱</sup>، مراقب اولیه، منجر به شکل گیری تفاوت‌هایی در نوع دلبستگی نوزاد به مراقب می‌گردد و به واسطه این عوامل، کودک به تدریج مدل‌هایی از خود و دیگران را درون‌سازی می‌کند که در دیدگاه دلبستگی، الگوهای فعل درونی<sup>۲</sup> می‌گویند (۵۴). به کمک همین الگوهای است که شخص وقایع را درک و تفسیر کرده، حوادث را پیش‌بینی و طرح‌هایی را بنا می‌کند. این سازه‌های شناختی، نماینده‌های

مورد تایید کمیته علمی منتخب دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج واقع شده است.

وضعیت ذهنی نوزاد هنوز مشغول تعديل کردن احساسات غیر قابل کنترل است. اگر دلیستگی امن که یک دست آورد از مهار موقتی آمیز باشد، دلیستگی نامن می‌تواند به عنوان شناسایی رفتار دفاعی مراقب توسط نوزاد، دیده شود. این فرض وجود دارد که تزدیکی به مراقبت‌کننده به بهای یک توافق با عملکرد انعکاسی است. یک مراقبت‌کننده‌ی اجتنابی، ممکن است به طور کلی در آینه کردن اضطراب کودک در تجربیات دردآور، شکست بخورد. به این دلیل که او ظرفیت تجسم تصویری منسجم از حالت روحی کودک را ندارد. برخلاف آن مراقب اضطرابی، ممکن است حالت نوزاد را اینگونه بازنمایی کند: با تشديد و علامت‌گذاری‌های ناکافی یا پیچیده با پاسخ‌هایی به اضطراب دوگانه والدین با تجربیات خودش، به حدی که پتانسیل نمادین تبادل، از بین می‌رود. در هر دو مورد، نوزاد نگرش مراقب کننده را درونی می‌کند و این ناهمواری قسمتی از تجربه‌ی (خود) نوزاد می‌شود» (۶۰).

از طرفی نتیجه این پژوهش نشان داد که بین سبک دلیستگی ایمن (والدین، فرزندان) و اضطراب والدین رابطه وجود دارد. با توجه به نتایج این پژوهش، شاید بهتر است که به جنبه غیر مخبر اضطراب و وجه حیات‌بخش آن پرداخت. در واقع اضطراب به منزله بخشی از زندگی هر انسان، در همه افراد در حد اعتدال آمیز وجود دارد و در این حد به عنوان پاسخی سازش‌یافته تلقی می‌شود به‌گونه‌ای که می‌توان گفت بدون آن، همه ما با مشکلات و خطرات قابل ملاحظه‌ای مواجه خواهیم شد. شاید این میزان از اضطراب و حساسیت والدین، لازمه انتقال سبک دلیستگی ایمن در فرزندان شده و آن را تسهیل نماید.

این موضوع با اهمیت است که گزارش حاضر، توجهی به اطلاعات آینده که ممکن است بتواند تصویر روابط کنونی خانواده را روشن کند، نداشته است. چنانچه پژوهش‌های پیشتری در این زمینه صورت گیرد ممکن است که برخی از ناهمانگی‌های گزارش حاضر قابل فهم‌تر شوند. به همین دلیل ضروری است که در پژوهش‌های آینده اگر قصد رائمه یک گزارش جامع از تأثیر روابط گذشته روی روابط حال و آینده را داریم به باز نمود ذهنی هر دو والد، تاریخچه دلیستگی و بازنمود ذهنی آن‌ها نسبت به یکدیگر و همچنین نسبت به کودک پرداخته شود.

### تشکر و قدردانی

دست اندکاران این پژوهش بر خود لازم می‌دانند تا از شرکت کنندگان در پژوهش تشکر و قدردانی به عمل آورند. در پژوهش حاضر کلیه موازین اخلاقی رعایت شده و گزارش این پژوهش

dock BJ, Sadock VA, editors. Philadelphia, PA: lippincott Williams & wilkins; 2015.

16.Bottonari KA, Roberts JE, Kelly MA, Kashdan TB, Ciesla JA. A prospective investigation of the impact of attachment style on stress generation among clinically depressed individuals. *Behaviour Research and Therapy*. 2007 Jan 1;45(1):179-88.

17.Bifulco A, Moran PM, Ball C, Bernazzani O. Adult attachment style. I: Its relationship to clinical depression. *Social psychiatry and psychiatric epidemiology*. 2002 Feb 1;37(2):50-9.

18.Jacka MJ, Mitchell N, Perez-Parada J. Incidence and prevalence of anxiety, depression, and post-traumatic stress disorder among critical care patients, families, and practitioners. *J Anest & Inten Care Med*. 2016;1(1):5555.

19.Priceputu M. Attachment style-from theory to the integrative intervention in anxious and depressive symptomatology. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 2012 Jan 1;33:934-8.

20.Berant E, Mikulincer M, Shaver PR. Mothers' attachment style, their mental health, and their children's emotional vulnerabilities: A 7-year study of children with congenital heart disease. *Journal of personality*. 2008 Feb;76(1):31-66.

21.Besharat MA, Hedayati M, Kordmirza Nikozadeh E. Mediating role of interpersonal problems on the relationship between attachment pathologies and depressive symptoms. *Journal of Psychological Science*. 2013;48:461-80. (Persian)

22.Linares L, Jauregui P, Herrero-Fernández D, Estévez A. Mediatiiong role of mindfulness as a trait between attachment styles and depressive symptoms. *The Journal of psychology*. 2016 Oct 2;150(7):881-96.

23.Kadir NB, Bifulco A. Insecure attachment style as a vulnerability factor for depression: Recent findings in a community-based study of Malay single and married mothers. *Psychiatry research*. 2013 Dec 30;210(3):919-24.

24.Palitsky D, Mota N, Afifi TO, Downs AC, Sareen J. The association between adult attachment style, mental disorders, and suicidality: findings from a population-based study. *The Journal of nervous and mental disease*. 2013 Jul 1;201(7):579-86.

25.Schimmenti A, Bifulco A. Linking lack of care in childhood to anxiety disorders in emerging adulthood: the role of attachment styles. *Child and Adolescent Mental Health*. 2015 Feb;20(1):41-8.

26.Linares L, Jauregui P, Herrero-Fernández D, Estévez A. Mediatiiong role of mindfulness as a trait between attachment styles and depressive symptoms. *The Journal of psychology*. 2016 Oct 2;150(7):881-96.

27.Besharat MA. Relationship of alexithymia with coping styles and interpersonal problems. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 2010 Jan 1;5:614-8. (Persian)

28.Hesse C, Floyd K. Affection mediates the impact of alexithymia on relationships. *Personality and Individu-*

- 1.Bowlby J. Attachment and loss: retrospect and prospect. *American journal of Orthopsychiatry*. 1982 Oct;52(4):664.
- 2.Ainsworth MD, Blehar MC, Waters E, Wall SN. Patterns of attachment: A psychological study of the strange situation. *Psychology Press*; 2015 Jun 26.
- 3.Hazan C, Shaver P. Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of personality and social psychology*. 1987 Mar; 52(3):511.
- 4.DiTommaso E, Brannen-McNulty C, Ross L, Burgess M. Attachment styles, social skills and loneliness in young adults. *Personality and individual differences*. 2003 Jul Mikulincer; 35(2):303-12.
- 5.Mikulincer M, Shaver PR. An attachment perspective on interpersonal and intergroup conflict. na; 2011.
- 6.Mikulincer M, Shaver PR. Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change. *Guilford Press*; 2007 May 14.
- 7.Collins NL, Feeney BC. Working models of attachment shape perceptions of social support: evidence from experimental and observational studies. *Journal of personality and social psychology*. 2004 Sep;87(3):363.
- 8.Morley TE, Moran G. The origins of cognitive vulnerability in early childhood: Mechanisms linking early attachment to later depression. *Clinical psychology review*. 2011 Nov 1; 31(7):1071-82.
- 9.Ragsdale JD, Brandau-Brown FE, Bello RS. Who are the restorers?": Attachment style, gender, and relational repair among the remarried. Inannual meeting of the International Communication Association, Dresden, Germany 2006.
- 10.Wearden A, Peters I, Berry K, Barrowclough C, Liversidge T. Adult attachment, parenting experiences, and core beliefs about self and others. *Personality and individual differences*. 2008 Apr 1;44(5):1246-57.
- 11.Van IJzendoorn MH. Adult attachment representations, parental responsiveness, and infant attachment: a meta-analysis on the predictive validity of the Adult Attachment Interview. *Psychological bulletin*. 1995 May;117(3):387.
- 12.Millings A, Walsh J, Hepper EG, O'Brien M, Howe D. Good partner, good parent: caregiving mediates the link between romantic attachment and parenting style. *Personality and Social Psychology Bulletin*. 2012 Aug 20.
- 13.Roelofs J, Meesters C, Muris P. Correlates of self-reported attachment (in) security in children: The role of parental romantic attachment status and rearing behaviors. *Journal of Child and Family Studies*. 2008 Aug;17(4):555-66.
- 14.Bowlby J. Attachment and loss: Volume II: Separation, anxiety and anger. InAttachment and Loss: Volume II: Separation, Anxiety and Anger 1973 (pp. 1-429). London: The Hogarth press and the institute of psycho-analysis.
- 15.Ruiz P. Comprehensive textbook of psychiatry. Sa-